

# پاکستان پس از مشرف

یاشار امینی

پرویز مشرف رییس جمهور پاکستان که در سال ۱۹۹۹ و در پی کودتایی بدون خونریزی قدرت را در این کشور به دست گرفته بود، در شرایطی استعفاي خود را اعلام کرد که با بحران‌های متعدد سیاسی، امنیتی و اقتصادی روبه‌رو شده بود. در واقع فرمانده سابق ارتش پاکستان که زمانی متحد شماره یک واشنگتن در جنگ با تروریسم به شمار می‌رفت، در شرایطی مجبور به کناره‌گیری از قدرت گردید که نه سران کاخ سفید و نه دوستان بی‌شمار او در ارتش پاکستان هیچ حمایتی از وی به عمل نیاوردند. وی که تنها یک روز پیش از اعلام استعفاي خود با ضرب‌الاجلی ۴۸ ساعته برای خروج «آبرومندان» از قدرت مواجه شده بود، در بحبوحه‌ی زمانی ریاست جمهوری را ترک کرد که کاملا محسوس بود پس از کناره‌گیری از سمت ریاست ارتش و کنار گذاشته شدن از عرصه سیاست‌گذاری توسط دولت غیر نظامی پاکستان به یک شخصیت تقریبا منزوی تبدیل شده بود.

## امیدوارم این ملت اشتباهاتم را ببخشد

«مردم می‌گویند سیاست‌های من طی ۹ سال گذشته اشتباه بوده است، اما منتقدان من نباید شرایط را برای مردم پاکستان دشوارتر کنند. برخی عناصر جهت‌دار و ذینفع اتهامات نادرستی را علیه من مطرح کرده‌اند، اما هر چه من انجام دادم در درازمدت به سود پاکستان خواهد بود. با این وجود من از این راضی هستم که هر چه انجام داده‌ام برای مردم و کشور بوده و امیدوارم این ملت و کشور اشتباهاتم را ببخشند.» این

جملات بخشی از نطق یک ساعته مشرف است که برای دفاع از سابقه‌اش ترتیب داده شده بود. مشرف در آخرین سخنرانی خود به لیستی از مشکلاتی مانند اقتصاد در حال غرق شدن، کمبود همیشگی برق و... اشاره کرد و به طور ضمنی اعلام کرد که مخالفانش برای پنهان کردن ناتوانی‌هایشان او را هدف قرار داده‌اند. بنابر اظهارات خود مشرف و با توجه به تهدید مخالفان وی برای استیضاح، او تصمیم گرفت در نهایت استعفاي خود را اعلام کند تا علاوه بر جلوگیری از گسترش بحران سیاسی در این کشور همیشه ناآرام، مانع از وارد شدن مناقشه سیاسی به ارتش پاکستان شود. در همین حال مشرف هر چند امکانات و اختیارات به چالش کشاندن مخالفان خود را داشت، ولی او خود نیز به خوبی می‌دانست که حتی اگر استیضاح او با شکست روبه‌رو شود، روابط دولت با دفتر ریاست جمهوری با اصطکاک ادامه خواهد یافت.

## بعد از مشرف چه می‌شود؟

کارشناسان سیاسی بر این باورند که خروج مشرف از صحنه‌ی قدرت، یک خلا قدرت را در فضای سیاسی اسلام‌آباد ایجاد کرده است. مشرف به عنوان فرمانده ارشد و رییس جمهور قدرتمندترین رهبر در پاکستان بود، اما هم‌اکنون مشخص نیست که دولت غیر نظامی این کشور چه میزان کنترلی بر امور خواهد داشت. در واقع باید گفت خروج مشرف از صحنه معادلات سیاسی هر چند با خوشحالی مردم پاکستان و حتی استقبال بین‌المللی مواجه گردید، ولی برخی نیز از این نگران هستند که دولت ائتلافی توانایی اداره پاکستان را نداشته باشد.

شک و تردید در خصوص تداوم چنین ائتلافی از این جهت حایز اهمیت

است که مخالفان مشرف که خواستار استیضاح هم پیمان سرسخت آمریکا بودند، هم اکنون باید به تنهایی با شبه نظامیان و مشکلات اقتصادی که این کشور مسلح به سلاح هسته‌ای را آزار داده است، مبارزه کنند و دیگر نمی‌توانند مشکلات آینده‌ی پاکستان را به گردن مشرف بیندازند. در همین حال مهمترین نکته‌ای که در شرایط حاضر فضای سیاسی پاکستان را متاثر کرده، موضوع انتخاب رییس جمهوری آینده است؛ موضوعی که هم اکنون ائتلاف حاکم درباره‌ی آن دچار اختلاف‌نظر است. در واقع یکی از سوالاتی که مرگ سیاسی مشرف مطرح می‌کند، این است که آیا ائتلاف حاکم بر پاکستان بدون دشمن مشترکشان (مشرف) باز هم در کنار هم خواهند بود و آیا این که احزاب اصلی آن کشور هم‌پیمانی نزدیک مشرف را با آمریکا حفظ خواهند کرد یا خیر. علاوه بر این مساله که چه کسی جانشین مشرف خواهد شد، دولت پاکستان با چالش‌هایی چون وجود افراطیون، ادامه‌ی رابطه با ارتش و اقتصاد ضعیف این کشور روبه‌رو است. «شفقت محمود» وزیر پیشین دولت و تحلیل‌گر برجسته سیاسی پاکستان می‌گوید: این یک چالش بسیار بزرگ پیش روی ماست. الان دیگر بهانه‌ای به نام مشرف وجود ندارد و مردم و سیاستمداران باید بر روی عملکرد خود تمرکز کنند. این در حالی است که «تجم ستی» سردبیر روزنامه دیلی تایمز پیش‌بینی می‌کند که احتمال اختلافات شدید در دولت ائتلافی سیاست‌گذاری را با مشکل مواجه می‌کند؛ زیرا هر دو حزب مردم و مسلم لیگ شاخه نواز در دهه ۱۹۹۰ بر سر قدرت درگیری سختی داشتند. در چنین شرایطی تحلیل‌گران اعلام کرده‌اند که ائتلاف پاکستان باید سریعا دو مانع سیاسی را به منظور نجات خود از سد راه بردارد: ۱- انتخاب یک رییس جمهور جدید و ۲- حل بحران قضایی کشور. در همین خصوص «طلعت مسعود» ژنرال پیشین ارتش که به یک تحلیل‌گر سیاسی تبدیل شده، پیش‌بینی می‌کند که دولت ائتلافی هم برای رییس جمهور و هم برای وضعیت قضات سازش خواهد کرد زیرا هیچ کدام از دو حزب اصلی نمی‌خواهند به تنهایی مشکلات کشور را حل کنند.

مساله دیگری که بعد از خروج مشرف از قدرت ذهن کارشناسان مسایل پاکستان را به خود مشغول داشته، نحوه‌ی ادامه فعالیت سرویس‌های اطلاعاتی پاکستان است. در واقع برخی از



کارشناسان مسایل سیاسی نگران هستند که ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی پاکستان به ایفای نقش مهم خود در مبارزه با تروریسم و سیاست‌های خارجی ادامه دهند. «بروس ریدل» کارشناس انستیتو بروکینگز بر این باور است که رهبری غیر نظامی اساساً هیچ کنترلی بر ارتش و اطلاعات داخلی پاکستان ندارد و به همین علت دولت ائتلافی باید بر روی همکاری پاکستان با متحدانش برای مقابله با خطر تروریسم منطقه‌ای که همچنان ادامه دارد تمرکز کند.

### چرا ارتش از مشرف حمایت نکرد؟

انتقال قدرت در پاکستان این بار برخلاف سنت تاریخ این کشور که یا از طریق کودتا، سقوط هواپیما یا ترور انجام می‌شد، بسیار سریع و ناگهانی و طی یک فرآیند مردم‌سالارانه اتفاق افتاد. این شیوه انتقال قدرت از زمان مجهز شدن پاکستان به سلاح اتمی برای اولین بار بود که رخ می‌داد. نکته جالب توجه دیگر در استعفای مشرف دور ماندن ارتش از تعاملات سیاسی در این مقطع از تحولات سیاسی پاکستان بوده است. ارتش پاکستان که از طریق ژنرال‌های حاکم طی بیش از نیمی از تاریخ ۶۱ ساله پاکستان در حوزه سیاسی صاحب نفوذ بوده است، در حالی که برابر فشارهای روزافزون و در نهایت استعفای مشرف بی‌طرف ماند که فرماندهی کنونی ارتش ژنرال «اشفاق پرویز کیانی» از مورد اعتمادترین افسران زیردست مشرف به شمار می‌رفت. در همین خصوص کارشناسان با اشاره به اینکه منافع ارتش پاکستان در این مقطع از تحولات سیاسی پاکستان، دور شدن از مشرف بوده است، می‌گویند: استیضاح مشرف بدون استیضاح ارتش امکان‌پذیر نبود و ارتش به همین علت در پشت صحنه وارد عمل شد تا با تشویق مشرف برای استعفا مانع از وارد شدن بحران به ارتش شود. به باور کارشناسان، ارتش پاکستان با استیضاح فرمانده سابق ارتش مخالف بود؛ زیرا این اتفاق را در واقع استیضاح خود می‌دید، ولی در همین حال تلاش برای جلوگیری از استیضاح مشرف به معنای علاقه‌مندی ارتش برای حمایت از وی نبوده و منافع ارتش پاکستان در این



بود که خود را از مشرف دور کند. به باور کارشناسان یکی از نتایج استعفای مشرف این است که مقامات ارشد ارتش در آینده به سادگی نخواهند توانست برای مداخله در امور دولت تصمیم بگیرند و وارد عمل شوند.

### تاریخ از مشرف چگونه یاد خواهد کرد؟

می‌گویند که کرسی ریاست جمهوری پاکستان نفرین شده است و کسی که روی این کرسی می‌نشیند باید به یاد داشته باشد که شاید روزی همین کرسی را

زیر پایش بگذارند، در حالی که طناب دار دور گردنش پیچیده است. سرنوشت مشرف برخلاف سنت تاریخ این کشور که روسای جمهور آن یا از طریق کودتا، سقوط هواپیما یا ترور برکنار می‌شوند، رقم نخورد. در واقع مشرف مانند «اسکندر میرزا» اولین رئیس جمهور پاکستان که برای اصلاح قانون اساسی حکومت نظامی اعلام کرد و به این ترتیب شرایط مساعد برای

کودتای نظامی را خود به ژنرال ایوب خان اهدا کرد، به لندن تبعید نشده و یا مانند «ذوالفقار علی بوتو» که در سال ۱۹۷۷ با کودتای نظامی برکنار و در سال ۱۹۷۹ اعدام شد، بر بالای چوبه دار نرفته، ولی باید دید که تاریخ و مردم پاکستان در خصوص او چه قضایاتی خواهند کرد؟ «اکبر احمد» سفیر سابق پاکستان در انگلستان با اشاره به اینکه تاریخ از مشرف به عنوان یک دیکتاتور یاد خواهد کرد، می‌گوید: «پرویز مشرف هم یکی از دیکتاتورها بود و از همان حاکمانی بود که در ابتدا که بر سر قدرت می‌آیند از اهداف خود صحبت می‌کنند ولی بعد از چند سال به حاکمانی فاسد تبدیل می‌شوند». هر چند مخالفان مشرف از هم اکنون استعفای مشرف را به «پایان دوران تاریک پاکستان» تعبیر کرده‌اند، ولی مشرف در آخرین نطق تلویزیونی خود، تأکید کرد که حکومت وی به رشد بسیاری از شاخص‌های دموکراسی به ویژه در زمینه‌ی حقوق زنان و شرایط اقتصادی کمک کرده است. یکی از اصلی‌ترین اهداف مشرف تشکیل و تقویت جامعه متوسط شهرنشین پاکستانی بود که می‌تواند پشتوانه‌ی خوبی برای رشد دموکراسی در این کشور باشد؛ ولی فقدان چنین طبقه‌ای یکی از عوامل بازدارنده حرکت‌های دموکراتیک در پاکستان طی دهه‌های قبل بوده است.

منبع: روزنامه فجر پاکستان - بی بی سی - اسپیکل - واشنگتن پست

